

نسب‌شناسی

خاندان میرعماد

سید احمد رضایی

شاخه‌ای از سادات طباطبائی، سید حسن فاطمی، مرکز ثبت نوادگان میرعماد، چاپ اول، ۱۳۸۱، قطع رحلی، ۹۴ ص

این‌رو، ضبط اسم سادات در شجره‌نامه‌ها از دیرباز در کشورهای گوناگون مرسوم بوده و عده‌ای وقت اصلی خود را به این امر اختصاص داده‌اند.

در قرون اولیه، اهتمام به ثبت اسم سادات بیشتر بود، اما پس از گذشت چند قرن و ازدیاد سادات و پراکنده شدن آن‌ها در کشورها، شهرها و روستاها، و از سوی دیگر، نبود وسایل ارتباطی امروزی، سبب شد که ثبت اسم سادات به مرور کم‌تر صورت بگیرد و زنجیره نام بسیاری از آن‌ها قطع گردد و اکنون تنها راه اثبات سیادتشان «شیاع» است.

میرعماد^۱ از جمله سادات طباطبائی با نسل زیاد است که نام او تا امام حسن مجتبی (ع) نشر یافته بود، اما نام فرزندان و نوادگان او تا عصر حاضر منتشر نشده بود، تا این‌که به همت آقای سید حسن

انسان فطرتاً علاقه‌مند است از نیاکان خود آگاهی داشته باشد و بداند که آن‌ها چه کسانی بوده‌اند. این آگاهی‌ها به شخص احساس هویت بیشتری می‌دهد. این امر سبب شده است برخی طوایف - حتی غیر سادات - به ثبت اسامی اجداد خود

تاریخ: ۱۰ / ربیع / ۱۴۲۳ هـ
شماره:
پیوست:



مهر (المرکز لشمعی، أنساب اللواتر)
LOGARITHM RESEARCH CENTER FOR DESCENDANTS OF THE PROPHET
پژوهشگاه آنساب سادات

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب از زمان شروع تحقیق جناب فاضل محترم آقای سید حسن فاطمی، جهت گردآوری اسامی سادات خاندان خود از نسل میرعماد، در جریان امر بودم. ایشان در این راه فعالیت زیادی را انجام داده، و مسافرت‌هایی به مناطق نیاکان خود نموده، تا بتوانند نسب نامه‌ای دقیق در این رابطه تدوین نمایند. با توجه به تلاش فراوان و وثاقت و دقت ایشان، نسب نامه این خاندان در کتاب «شاخه‌ای از سادات طباطبائی» مورد تأیید است.

قم - سید مهدی رجائی



پژوهشگاه آنساب سادات

باسم تعالی
مرکز قوم و فرقه در دنیا بحمد اسلام
والمسلمین آقای و خانم سید فرمودند
موروثاً بیاید اینجانب نیز می‌باشم و التماس
قم - ۱۷ / ربیع / ۱۴۲۳ هـ
عفی



۱. وی غیر از خوش‌نویس معروف در عصر شاه عباس اول به نام «میرعماد» است که در سال ۱۰۲۴ یا ۱۰۲۷ کشته شد. (ر.ک: ریحانة الادب، ج ۶، ص ۷۲-۷۶)

روی آورند. نظر به این که «سیادت»، افتخار بزرگی برای سادات به شمار می‌رود و احکام شرعی مهمی بر آن مترتب است، اهمیت ثبت اسامی اجداد آن‌ها چند برابر می‌گردد. از

سرگذشت میرعماد

افغان‌ها با حمله به ایران در عصر صفویه، حکومت آن‌ها را برچیدند و طبیعت این‌گونه پیروزی‌ها در آن دوران، اذیت و آزار و غارت و حتی قتل دیگران پس از پیروزی بود. هرچند افغانی‌ها را متهم به سیدکشی می‌کنند، اما چنین چیزی بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا سادات در نظر اهل سنت نیز مورد احترام بوده‌اند. بله، با توجه به این که در آن زمان جوّ عمومی علیه افغان‌ها بود، و در این میان، عده‌ای از سادات، از جمله سران صفویه کشته شده بودند، گویا این موضوع سبب شده بود در میان مردم شایع شود که آنان سیدها را می‌کشند و از این‌رو، عده‌ای سیادت خود را مخفی می‌کردند.

آنان پس از پیروزی و تصرف اصفهان، به اطراف هجوم بردند و عده‌ای به یکی از روستاهای اطراف کوهپایه به نام «جشوقان» رفتند. آنان در سال ۱۱۳۶ ق / ۱۱۰۳ ش با دو برادر سید به نام‌های «میرعماد» و «میرجهان» درگیر شدند که منجر به قتل یک یا دو افغانی شد. پس از این اتفاق، دو برادر به ناچار از جشوقان فرار کردند. میرجهان به «محمدآباد جرقویه» - واقع در جنوب شرقی اصفهان - و میرعماد به «حسن‌آباد جرقویه» - ۱۱۵ کیلومتری جنوب شرق اصفهان - رفت و در آن‌جا با ازدواج، دارای فرزندان شدند. آنان از ترس افغان‌ها سیادت خود را مخفی می‌کردند. البته پس از رفتن افغان‌ها نیز سیادت خود را اظهار نکردند. گویا دلیلش این بوده که وقتی شخصی برای مدت‌ها به‌عنوان سید شناخته نشده، اگر یکباره بگوید که سید است، نه تنها دیگران نمی‌پذیرند، بلکه مورد تمسخر هم قرار می‌گیرد.

چند سال پس از درگذشت دو برادر، دو تن از عموزاده‌های آن‌ها گذرشان به «حسن‌آباد» افتاد و پس از گفت و گو با اهالی آن‌جا به‌طور اتفاقی متوجه شدند عموزاده‌های مفقود آن‌ها به حسن‌آباد و محمدآباد رفته‌اند. پس از این ماجرا، بازماندگان میرعماد را با خود به جشوقان برده، در مراسمی، لباس سیادت به آن‌ها پوشاندند. اما وقتی به محمدآباد رفتند، نوادگان میرجهان چنین چیزی را نمی‌پذیرند تا این که آیه‌الله میرجهانی پس از

فاطمی - نواده میرعماد - و با تلاش فراوان، بخشی از نوادگان او شناسایی و نام آن‌ها در کتاب شاخه‌ای از سادات طباطبائی چاپ و منتشر شد. ایشان برای دست یافتن به اسامی اجداد خویش تا میرعماد راه‌های زیادی پیموده است؛ از جمله: گفت و گو با سالمندان، مطالعه اسناد قدیمی و بررسی سنگ قبرها. وی گزارشی از چگونگی تحقیق خود برای دستیابی به اجداد خویش را در مقدمه کتاب آورده که مطالعه آن برای ساداتی که در پی یافتن نام اجدادشان هستند، مفید است.

بخش‌های کتاب در یک نگاه

مطالب کتاب در چهار بخش تنظیم شده‌اند:

بخش اول: پیشینه تاریخی؛ در این بخش، مطالب گوناگونی آمده‌اند که جا دارد نوادگان میرعماد از آن‌ها اطلاع یابند.

بخش دوم: نوادگان میرعماد؛ انتساب عده‌ای از سادات به میرعماد برای نویسنده به اثبات رسیده و توانسته است نام اجداد آن‌ها را به میرعماد برساند. اسامی این دسته در این قسمت آمده‌اند.

بخش سوم: منسوبان به میرعماد. عده‌ای از سادات ادعا دارند که از نسل میرعمادند، اما انتساب آن‌ها برای نویسنده به اثبات نرسیده است. اسامی این عده در بخش سوم آمده‌اند؛ با این امید که در آینده مدارکی در مورد اجداد آن‌ها یافت شوند.

بخش چهارم: اسناد و مدارک؛ این بخش در بردارنده قسمت‌هایی از مدارکی است که اطلاعات مفیدی در مورد سادات دارند.

در این جا قسمت‌هایی از مطالب کتاب را به اختصار می‌آوریم:

ده‌ها سال تلاش، با یافتن مدارک متعدّد، توانست سیادت خود و نوادگان میرجهان را در سال ۱۳۷۹ ق / ۱۳۳۸ ش اثبات کند و آنان به لباس سیادت بازگشتند. این کار مورد تأیید علمای وقت از جمله آیه‌الله العظمی آقا حسین بروجردی قرار گرفت.^۱

سادات زواره

به دلیل آن‌که در میان نوادگان میرعماد در حسن‌آباد رایج است که املاکی در زواره وقف آنان می‌باشد، نویسنده کوشیده است گزارشی از موقوفات زواره، که وقف عده‌ای از سادات طباطبائی می‌باشد، ارائه کند.

«ابوعلی احمد بن محمد بن رستم مطیار» از ثروتمندانی بود که در سال ۳۱۶ ق املاک فراوانی را در زواره، که شامل روستاهای فراوانی می‌شدند، وقف ذریه خود کرد و اکنون ثمرات آن‌ها به نوادگان دختری او، یعنی فاطمه همسر شهاب‌الدین علی (جد نوزدهم میر عماد)، می‌رسد. نویسنده فهرست املاک موقوفه را آورده و گزارشی از ملاقاتش با متولّی کنونی موقوفات را ذکر کرده است.

اجداد میرعماد

نویسنده با بررسی کتاب‌های انساب و شرح‌حال‌نگاری فراوان کوشیده است به اطلاعاتی درباره‌ی اجداد میرعماد دست یابد و این اطلاعات را در اختیار خواننده گذارده است. برخی از آن‌ها از شخصیت‌های برجسته در عصر خویش بوده‌اند. گذشته از این‌که بعضی از آن‌ها عالم، نویسنده و شاعر بوده‌اند، عده‌ای «نقیب» بوده‌اند و نقیب علاوه بر این‌که سمت سرپرستی سادات را داشته، یکی از وظایفش درج اسامی سادات در شجره‌نامه بوده است. از این‌رو، نسب‌نامه میرعماد یکی از معتبرترین شجره‌نامه‌ها به حساب می‌آید. در میان اجداد میرعماد، این شخصیت‌ها به چشم می‌خورند: حسن مثنی، فاطمه دختر امام حسین (ع)، ابراهیم طباطبا، شاعر و نویسنده معروف ابوالحسن محمد صاحب عیار الشعر، علامه کوهپایی شاگرد شیخ بهائی و از مشایخ اجازه علامه مجلسی.

شجره‌نامه‌های میرعماد

در این کتاب، تصویر دو شجره‌نامه از میرعماد، که از زمان‌های گذشته برجای مانده، آورده شده و نویسنده با بررسی کتاب‌های انساب و شجره‌نامه‌های معتبر، ایرادهای دو شجره‌نامه را یادآور شده و در ادامه، نسب‌نامه‌ای صحیح نگاشته است.

امتیازات این نسب‌نامه

برای این نسب‌نامه، می‌توان امتیازات ذیل را برشمرد:

۱. در بسیاری از شجره‌نامه‌ها، تنها به ذکر اسم سادات اکتفا شده، اما در این کتاب، نام خانوادگی آن‌ها نیز آمده؛ به این صورت که اگر نام خانوادگی عده‌ای از برادران و خواهران و بچه عموها یکی است، در مقابل نام جد آن‌ها نام خانوادگی آن‌ها ذکر شده است.

۲. اگر کسی به نام دیگری غیر از آنچه در شناسنامه آمده شهرت داشته، نام مشهور در برابر نام او در کمان (پرانتز) ذکر شده است.

۳. با توجه به این‌که در گذشته اسم افراد را با القابی همچون «حاج» و «میرزا» می‌گفتند و می‌نوشتند، نام سادات گذشته همراه با این القاب است. فایده این کار آن است که اگر سندی پیدا شد که اسم این افراد در آن‌ها بود، شناسایی شخص آسان‌تر باشد.

۴. تاریخ و محل تولّد سادات تا حد امکان طبق شناسنامه است.

۵. اگر از تاریخ فوت و محل دفن سادات مرحوم اطلاعی

۱. آیه‌الله میرجهانی چگونگی تحقیق برای اثبات سیادت خود را به تفصیل، همراه با تصویر مدارک در کتاب سبکة البیضاء آورده است.

در اختیار بوده، نوشته شده است.

۶. اگر از سیدی نسلی نمانده، مشخص شده است تا اگر جدّ کسی همنام این شخص بوده به اشتباه نیفتد.

۷. محل سکونت سادات زنده و متأهل مشخص شده و اگر از جای دیگری به آن محل مهاجرت کرده‌اند، سال مهاجرت آن‌ها درج شده است.

۸. اگر مناسب بوده که در مورد سیدی توضیحی بیاید - مثلاً، متصدی موقوفات منطقه یا کدخدا یا... بوده - در پایان بخش دوم، تحت عنوان «یادداشت‌ها» آمده است.

جای فهرست اعلام خالی است که بناست در چاپ بعد در پایان کتاب بیاید. با توجه به امتیازات مزبور، این نسب‌نامه می‌تواند الگوی مناسبی برای کارهای مشابه باشد.

چاپ کتاب

کتاب با طرحی زیبا بر جلد به چاپ رسیده است. اما پس از انتشار آن در میان سادات، این احتمال وجود دارد که اسناد و اطلاعات جدیدی در مورد این خاندان به دست آیند و چه

بسا سادات دیگری نیز شناسایی شوند که از نسل میرعمادند، اما نام آن‌ها در کتاب نیامده؛ زیرا میرعماد چند پسر داشته و نویسنده تنها موفق به شناسایی یکی از پسران او شده و این پسر نیز چندین پسر داشته است که تنها دو تن از آن‌ها شناسایی شده‌اند. نویسنده امید دارد با بررسی اسناد و مدارک برجای مانده، بتواند به دیگر نوادگان میرعماد دست یابد. نکته دیگر این که به دلیل پراکنده بودن نوادگان میرعماد در شهرها و روستاها، نویسنده اسامی پدران در گذشته عده‌ای از آن‌ها را یافته، اما به نام فرزندان آن‌ها، که اکنون حیات دارند، دسترسی نداشته است. بنابراین، می‌توان گفت: تدوین این کتاب به اتمام نرسیده است و هنوز تحقیقات در این زمینه ادامه دارند. برای این که بتوان تصرفات لازم را در آن انجام داد، در هر نوبت، کتاب به تعداد کم و با «کپی پرینتر» چاپ و پس از صحافی دستی، نشر می‌یابد.

هزینه چاپ این کتاب را آقای سید علی حسینی - از سادات محترم چشمه عرب و از نوادگان میرعماد - به عهده گرفته است تا به صورت رایگان در اختیار دیگران قرار گیرد.

